روایت «سلمان خوشرو» از تجربه‌های جدیدش روی بوم

این نسل لیاقت هویت‌سازی دارد

آزاده جعفریان

سلمان، سهند، سارا، امین، رعنا، الناز، علیرضا، مازیار و حتی خود شما؛ وقتی تصویرتان را درست در اندازه واقعی روی بوم ببینید، چه حسی دارید؟ شاید چندروز اول، ترسی از چهره خشک‌شده خود داشته باشید، ولی کم‌کم چشم‌ها با شما سخن می‌گویند. بعد از گذر زمان، دنبال گذشته خود در تابلو می‌گردید. حال اگر تصویر سارا یا رعنا یا علیرضا و نوژن را روی دیوار نصب کنید، در این تابلو به دنبال هویتی ناب می‌گردید. این آثار به غیر از تصویری رئال‌گونه از یک فردیت، انسانیت، فیزیک، شخصیت و روح یک فرد و در نهایت جامعه را در خود مستتر دارد و البته هرکدام روایتی را برای شما بازگو خواهند کرد. «سلمان خوشرو» هنرمند جوانی است که این روزها، دومین نمایشگاه نقاشی انفرادی‌اش را با عنوان «پروتگونیست» در گالری «طراحان آزاد» به نمایش گذاشته است. او در این نمایشگاه ۱۲تصویر از شش‌پسر و شش‌دختر را در اندازه واقعی‌شان به نمایش گذاشته است. در نمایشگاه قبلی، خوشرو پرتره افراد را با تکنیک رنگ و کاردک همراه با حرکات قوی قلمو و کنش نقاشانه هنرمند روی بوم برده بود، ولی او تشنه تجربه‌کردن است و این‌بار تصویری رئال از کل فیگور یک فرد را خلق کرده است. او در این آثار مخاطب را با یک فرد در ابعاد واقعی یک انسان چشم‌درچشم می‌کند. خوشرو سال ۱۳۶۲ در تهران متولد شد. سال‌های ابتدایی تحصیلات خود را در شهر نیویورک و تحصیلات متوسطه را در تهران به انجام رساند. او سال ۱۳۸۳ مدرک لیسانس خود را در رشته هنر دیجیتال از دانشگاه ملی استرالیا دریافت کرد و سپس به ایران برگشت و به‌تازگی دومین نمایشگاه نقاشی انفرادی‌اش در گالری «طراحان آزاد» برپا شد.

عکس: هنرآنلاین

نخستین نمایشگاه نقاشی شما زمستان سال گذشته در همین گالری «طراحان آزاد» برگزار شد، رهاوردتان چه از منظر مخاطب و چه فروش آثار از این نمایشگاه چگونه بود؟

به طور کلی از نمایشگاه اولم راضی بودم و برداشت‌های مخاطبان هم ظاهرا مثبت بود. فروش نیز خوب بود. به این نتیجه رسیدم که درآمد این کار می‌تواند خودش را تامین کند. من به چالش نقاشی خیلی علاقه دارم و بسیار خوشحال شدم وقتی فهمیدم می‌توانم این کار را ادامه بدهم. شکی ندارم که نقاشی بسیار کار سختی است و یک تاریخ بسیار غنی پشت‌سر خود دارد. در نمایشگاه نخستم، رنگ را با ضخامت روی بوم مالیدم، ولی بعد به این فکر افتادم که رنگ، یک ماده پیچیده‌تری است و هررنگ خاصیت‌های مخصوص خود را دارد. در نتیجه متوجه شدم که هنوز خیلی سوادم از رنگ کم است و پیگیر خواص رنگ شدم.

برای اولین‌بار بود که پرتره را در ابعاد بزرگ ارایه داده بودم و با کشیدنش نیز آشنا شدم. در این میان فهمیدم که این پرتره‌ها روی مخاطب تاثیر بیشتری می‌گذارد. امیدوارم در آینده چهره را باز در این ابعاد ارایه دهم؛ ولی این دفعه با درک عمیق‌تری از رنگ.

در نمایشگاه حاضر در گالری «طراحان آزاد» قاب نگاهت بازتر شده و از منظر کنش نقاشانه شاهد یک دگرگونی اساسی هستیم، این‌بار از آن کاردک و حجم انبوه رنگ خبری نیست.

بله، این دونمایشگاه از لحاظ فنی دارای تفاوت‌هایی است؛ روند کاری که در نقاشی‌هایم پیش گرفته‌ام، تجربی و آزمایشی است. کار زیاد می‌کشم و دایما سبک را تغییر می‌دهم. به نظر من هرروش و سبک جذابیت خودش را منتقل می‌کند و هم نقاش و هم مخاطب با موضوعات متنوع‌تری مواجه می‌شود. حتی به نظر من عادلانه نیست وقتی بازار و مخاطب، هنرمند را در یک سبک راکد می‌کند. نقاشی جایی برای کنجکاوی و خلاقیت است و خیلی وقت‌ها می‌کشی، چون صرفا می‌خواهی ببینی که «چه‌شکلی می‌شود». از مالیدن رنگ با کاردک بسیار لذت بردم و چه شب‌هایی را که با آن پالت‌های رنگ گذراندم. در آن کارها خیلی راجع‌به رنگ آموختم، حتی متوجه شدم که درباره رنگ هنوز نمی‌دانم. این مجموعه که درحال‌حاضر نمایش داده‌ام، تلاشی برای پیداکردن درک بهتری از رنگ و لایه است. هرچند در آغاز، کار خیلی کند پیش می‌رفت، ولی در نهایت با این روش پرداخت، راحت‌تر شدم. با اینکه این تابلوها از دفعه پیش کوچکترند، ولی تقریبا دوبرابر زمان برده و کار سخت و طاقت‌فرسایی بودند. هرپروژه یک گامی در این مسیر است و در کشیدن این مجموعه تجربه فنی زیادی کسب کرده‌ام. بعد از کشیدن چنین مجموعه‌ای، امیدوارم در کار اعتمادبه‌نفس بیشتری داشته باشم و با فراغ‌بال بیشتری کار را ادامه دهم.

عنوان «پروتگونیست» را برای نمایشگاه برگزیدید، این نام به چه‌چیزی اشاره دارد؟

متاسفانه در زبان فارسی ترجمه درستی برای این کلمه نداریم، پروتگونیست به شخصیت محوری یک داستان یا روایت گفته می‌شود. در مقابل هم انتاگونیست را داریم که در ضدیت با پروتگونیست تعریف می‌شود، مثلا رستم در بسیاری از داستان‌های شاهنامه پروتگونیست است و افراسیاب هم انتاگونیست. البته امروزه دیگر این نقش‌ها آنچنان مشخص نیست و دایما شاهد جابه‌جایی این مفاهیم هستیم. به طور کل، «روایت» یکی از اساسی‌ترین علایق بشر است و انسان دایما در غالب‌های روایی سعی دارد به جهان پیرامون معنا ببخشد. به طور مشخص، ما در ادیان و ادبیات شاهد حضور داستان و روایت هستیم و به طور نامحسوس‌تری در بسیاری از عرصه‌های زندگی می‌توانیم ردپای آن را کشف کنیم. روایت حتی در ایدئولوژی‌های سیاسی هم نقش مهمی دارد، مثلا ما از پیروزی عدالت بر استکبار، داستانی قهرمانانه می‌سازیم و از این طریق به دنبال یک اعتبار معنوی هستیم. منظور از این مثال‌ها این است که با اینکه دنیای روایت تخیلی است، ولی تاثیر زیادی در واقعیت انسان می‌گذارد و ما دایما در تصمیم‌گیری‌هایمان، از این روایات جهت می‌گیریم. در ذهن و تخیل‌مان هم می‌توانیم قهرمان یک روایت شخصی باشیم، حال چه در واقعیت زندگی‌مان بتوانیم آن را اجرا کنیم، چه نتوانیم در هرصورت این روایات در شکل‌گیری هویت و کاراکتر ما تاثیر زیادی می‌گذارد. علاوه بر این، روایت‌های بزرگ‌تری هم وجود دارد که شاید ما هم در آن نقشی داریم.

هرکدام از تابلوها از یک کاراکتری می‌گویند، این افراد را چگونه برگزیدید؟ آیا در زیبایی‌شناسی تصویری آنها را حایز ویژگی خاصی می‌بینید؟

در این سال‌ها که مشغول کشیدن پرتره بودم، با این مساله زیاد سروکار داشتم. در درجه‌اول اینها افرادی هستند که در دایره‌های اجتماعی مشترکی با من همزیستی می‌کنند؛ بعضی‌ها نزدیک و صمیمی و بعضی هم دورتر ولی آشنا. این افراد برای من، هم ویژگی‌های شخصیتی جالبی و هم ظواهر مناسبی برای پرتره‌شدن دارند، مثلا «الناز» زنی قوی است با قد و موی بلند و در دنیای اسطوره‌ای و روایی ذهن من، نماد مناسبی برای زنانگی است. او تمام‌رخ می‌ایستد و حتی جایگاه مادر را تداعی می‌کند. یا مثلا «نوژن»، کاراکتری غیرمعمول با ذهن تحلیلی بسیار قوی و پرمطالعه است. به نظر من «نوژن» ذهن جذاب و پراکنده‌ای دارد و این پراکندگی در حرکت، رفتار و حتی نوشتار او قابل رویت است. یا مثلا «رعنا» که چشمانی آبی دارد و صاحب سلیقه است. «رعنا» کم‌حرف است و ذوق تجسمی‌اش را در پارچه و لباس نمایان می‌کند. «علیرضا» که در حرفه وکالت و حقوق فعالیت می‌کند، صدای کلفت و سبیل نارنجی دارد. او محبوب و نظراتش برای دوستانش تاثیر گذار است. به نظر من حتی جایگاهی پدرانه را تداعی می‌کند. یا «امین» که مجسمه‌ساز و تنومند است. من با «امین» در یک تیم، فوتبال بازی می‌کردم و وقتی او در دفاع بود خیالمان جمع بود، بعدها فهمیدم که بوکسور هم هست.

شش‌دختر و شش‌پسر را نقاشی کرده‌اید، آیا جنسیت در فروش تاثیری دارد؟

متاسفانه جنسیت در فروش تاثیر دارد و تصویر یک زن زیبا همیشه مشتری‌های بیشتری دارد. من دقیقا دلیل این را نمی‌فهمم، ولی قابل درک است. برای من هرچهره‌ای یک روایتی دارد؛ چه زن چه مرد، چه زیبا چه زشت. با این‌حال بقای هنرمند به فروش بستگی دارد و این قابل انکار نیست. بعضی مخاطب‌ها فقر هنرمند را ارزش می‌دانند و خیلی‌ها هم از طریق قیمت، هنرمند را می‌سنجند. به نظر من مخاطبان و حتی هنرمندان، اقتصاد هنر را در قضاوت‌های خود زیاد دخیل می‌کنند. تصور من این است که پول راه خودش را به کار خوب پیدا می‌کند و نقاش کافی است که تمرکزش روی بوم باشد. در هر حال به نظر من تابلو باید فروش برود و سرنوشت خود را جدا از خالقش کشف کند. اگر خریده شد و راهش را به یک دیوار پیدا کرد، بسیار تابلوی خوش‌شانسی است.

این افراد را از فضای اجتماعی خاصی انتخاب کرده‌اید؟ می‌توان برای کاراکترهای روی بوم روایتی قوم‌نگارانه نوشت یا در پی یک هویت‌سازی اجتماعی هستید؟

من تا ۲۱ سالگی دایما کشور محل سکونتم در حال عوض‌شدن بود. به این دلیل هیچ‌وقت نتوانستم در گروهی عضویت داشته باشم و رفاقت‌های بلندمدت پیدا کنم. ولی از ۱۰سال پیش تا الان در ایران ساکن بوده‌ام و سکونتم در ایران با رواج شبکه‌های اجتماعی همزمان شد. به طور کل قبول کرده بودم که ممکن است رفیق همزبان خودم را هیچ‌وقت پیدا نکنم، ولی در شبکه‌های اجتماعی افردی را یافتم که سلایق مشترک داشتیم و طی این سال‌ها رفاقت کردیم و با هم بزرگ شدیم. این نسل آنقدر بزرگ است که در تخصصی‌ترین مسایل هم، همزبانت پیدا می‌شود. این کثرت و تعدد افراد، خاص ایران است و تجربه اجتماعی من در تهران بسیار غنی بوده است. اصلا یکی از دلایلی که دیگر خارج نرفتم؛ همین است و به قول یکی از دوستان: وطن همان جایی است که رفیق باشد. شرایط اجتماعی این نسل بسیار جالب است و حتی لیاقت این را دارد که هویت‌سازی شود و تاریخ هم از آن یادی کند. البته من تمام این نسل را نمی‌شناسم و بیشتر افرادی که من می‌شناسم در گروه‌های کوچک‌تری به نام «اکیپ» عضویت دارند. این گروه‌ها به طور متوسط هفت،هشت‌تا عضو دارند و گاهی وابستگی در این گروه‌ها از خانواده هم بیشتر است. امروزه این اکیپ‌ها دوران طلایی خود را گذرانده‌اند و مهاجرت، بسیاری از این گروه‌ها را تجزیه کرده است.

و باز هم یک سلف پرتره از خودتان روی دیوار گالری است.

در میان نقاشی‌هایم سالی یکی، دوپرتره هم از خودم می‌کشم، فرد درونگرایی هستم و از کودکی درگیر خودشناسی بوده‌ام. سلف پرتره را فرصتی برای بررسی مسایلی از قبیل روایت‌های شخصی، آرزوها، خودشیفتگی، برهه‌های زندگی، خاطرات شخصی و به‌طورکل کشف ظرفیت‌های بیانی و بصری خود می‌دانم. خیلی وقت‌ها که به سلف پرتره‌های قدیمی‌ترم نگاه می‌کنم، متوجه می‌شوم در آن زمان چه تصوری از خودم داشتم و این خاطرات برایم عزیز است.

مکعب سفید

منیر شاهرودی در فرهنگسرای نیاوران

شرق: منیر شاهرودی (فرمانفرماییان) نقاش و آینه‌کار شهیر ایرانی در بازدید از فرهنگسرای نیاوران از بازسازی و نگاهداری مناسب آثارش در این مجموعه اظهار خرسندی کرد. به گزارش روابط‌عمومی فرهنگسرای نیاوران فرمانفرماییان به دعوت سیدعباس سجادی، مدیرعامل بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران در این بازدید از سوی علی مرادخانی معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجید ملانوروزی مدیرکل هنرهای تجسمی، سعید کارگران معاون اجتماعی فرهنگی منطقه یک تهران و الهه جواهریان مدیر گالری الهه مورد استقبال قرار گرفت. این هنرمند صاحب نام در پایان بازدید از فرهنگسرای نیاوران و تماشای آینه‌کاری‌هایی که حدود ۴۰سال پیش در ابعاد ۷۰/۴ در ۴۵/۲ در این مجموعه خلق کرده، اظهار کرد: امروز از حضور در این فرهنگسرا بسیار خوشحالم. وی در اولین نگاه به اثر ترمیم‌شده‌اش گفت: احساس آبشاری را دارم که از بالای کوه دارد سرازیر می‌شود.همچنین خوشحالم از اینکه اثرم به‌خوبی در این مکان نگهداری می‌شود.این برای هنرمند بسیار ارزشمند است که از آثارش به‌خوبی نگهداری شود و من خوشحالم که می‌بینم در یک مکان فرهنگی و هنری آثارم به نمایش گذاشته شده و به‌خوبی از آن مراقبت می‌شود. علی مرادخانی معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد

اسلامی نیز در این بازدید ضمن ابراز خوشحالی از حضور خالق اثر حجمی «آب روشنایی است» اظهار کرد: ما به وجود چنین هنرمندانی در کشورمان افتخار می‌کنیم و امیدواریم بتوانیم در آینده موزه‌ای برای آثار ایشان در تهران احداث کنیم و همه کارهای این هنرمند چه آنها که برای نمایش به خارج رفته مانند نمایشگاه google chrome و چه آثاری که در ایران خلق کرده‌اند، به نمایش گذاشته شود. لازم به ذکر است آینه‌کاری ورودی سالن اصلی فرهنگسرای نیاوران از آثار فاخر این بانوی هنرمند ایرانی است که طی ۴۰سال، دچار آسیب‌هایی شده بود و به پیشنهاد سیدعباس سجادی و با هماهنگی و تحت نظارت خود این هنرمند توسط بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران به دقت بازسازی شد.

کرباس خاکستری

در حاشیه نمایشگاه احمد خلیلی‌فرد در گالری والی

«کوبانی» روی بوم نقاش ایرانی

محمود نورایی

هنر خاستگاه‌های خود را در دوران مختلف از میان گفتمان‌های رایج جوامع می‌یابد؛ بازسازی نشانه‌های تصویری زبان گفتمان اولیه هنر بود که انسان به آن پرداخت و به مدد آن توانستند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند؛ در اعصار دیگر توجه به جنبه‌های یادمانی، بازسازی جهان عینی، برون‌ریزی احساس درونی و به‌اشتراک‌گذاشتن احساسات مشترک انسانی و... سبب شد تا انسان از هنر درک‌های متقابل در عصر خود بیابد.

در دنیای معاصر که مرزها در ورای عصر اطلاعات کمرنگ‌تر از همیشه، خود می‌نمایند؛ توجه به زادبوم هنرمند یکی از موضوعات هنر معاصر شده است. اینکه هنرمند بتواند در گفتمان هنری خود بر مبنای جغرافیای بومی احساس مشترکی را در سطحی وسیعی به نمایش بگذارد؛ گفتمانی است که امروز در زیرمجموعه هنر معاصر (Contemporary art) قرار می‌گیرد.

آثار هنری احمد خلیلی‌فرد را می‌توان در ذیل این مجموعه بررسی کرد؛ او همواره به منطقه جغرافیایی و قومی خود که شامل مناطق کردنشین است، در آثارش توجه نشان داده و از پس اندیشه‌های عرفانی و عاشقانه رایج در این جغرافیا با تکیه بر تکنیک نقاشی ایرانی سعی در بازشناسی جنبه‌های یادمانی و به‌اشتراک‌گذاشتن احساس نوستالژیک در این منطقه داشته است.

در نگاهی اجمالی به آثار متاخر خلیلی‌فرد که در گالری والی به نمایش درآمده، با دوگفتمان در سطح دوبعدی بوم‌های او روبه‌رو هستیم. این هنرمند سنندجی براساس واکنشی که در ماه‌های جاری بر منطقه کردنشین به‌ویژه کوبانی رفته؛ سعی کرده با جست‌وجو در خاطرات کودکی خود، موقعیتی فراتر را در احساس‌های انسانی پیش‌روی مخاطب قرار دهد.

خلیلی‌فرد در این آثار بوم‌های خود را در دوسطح متفاوت و با گفتمانی مختلف به نمایش درآورده است. او در پس زمینه آثارش همچون گذشته با ایجاد فرم‌های دورانی به بازنمایی زن‌ها، مردها، اسب‌ها و منطقه سرسبز کوهستانی کردنشین اشاره دارد و نوعی تقدس‌گرایی از روحیه عارفانه و عاشقانه مردمان این دیار را از دریچه ذهنی و احساسی خود بازنمایی کرده است. اما در کنار همین فیگورها و منظره‌ها هنرمند با ارایه پرتره و حتی بازنمایی صرف از پرندگان که او سعی در نشان‌دادن الصاق آن به تابلوها با چسب برآمده است؛ نوعی جنبه یادمانی به آنها داده است. خلیلی‌فرد در این گفتمان دولایه آثار گویی تلاش دارد که به مخاطب القا کند که شاهد تقدیم اثر هنری خود به یاد و خاطرات خود است که امروز یا کمرنگ شده‌اند یا دیگر وجود ندارد. از سویی دیگر این گفتمان دولایه که در پس‌زمینه نگاه تجریدی هنرمند به اقلیم خود و در سطح بازنمایی یادمان ذهنی هنرمند است، سعی دارد مخاطب را درگیر پس زمینه‌های ذهنی خود کند تا او نیز مروری بر احساس نوستالژیک و جنبه‌های احساس انسانی‌اش داشته باشد. آثار خلیلی‌فرد اگرچه در زمینه بیان‌گرایی توجه خاص و ویژه‌ای به گفتمان‌های هنر معاصر دارد و حتی در برخی از آثارش با قدرت تمام این گفتمان هنری را با مخاطب به اشتراک گذاشته است؛ اما در زمینه تکنیکی آثار تکیه بر بازسازی نقاشی ایرانی به‌ویژه تلفیق نگاه هنرمدرن و نقاشی ایرانی که براساس گفتمان‌های جنبش سقاخانه پدید آمد، دارد. خلیلی‌فرد همچون دیگر هنرمندان هم‌عصرش که پس از انقلاب ظهور کردند و تحت‌تاثیر آموزه‌های نسل اول مدرنیست‌های ایران قرار گرفتند، این تکنیک را در شیوه دورانی ضربه قلم‌ها، نبود پرسپکتیو، خلاصه‌کردن فیگور در سطح و... رعایت کرده است.

با در کنار هم قراردادن جنبه تکنیکی آثار و گفتمان کانسبت هنری، احمد خلیلی‌فرد توانسته بیان هنری خود را فراتر از منطقه خود با تعداد وسیعی از انسان‌ها به اشتراک بگذارد و با مخاطبان وسیعی به گفت‌وگو نشیند.

(گالری والی تا ۱۱آذر میزبان این نمایشگاه برپاست. این گالری در میدان ونک، خیابان ونک، خیابان شهیدخدامی، پلاک۷۲ قرار دارد).

جدول ۲۱۳۷ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- احداث آن موجب رونق کشاورزی است- دارای خصلت‌های پسندیده- جنگ‌افزار ۲- پایتخت رومانی- تخته ضخیم بلند- از اندام گفتاری ۳- میانه بدن- جادو- جلاد ۴ - فصل پرطراوت- کبوتر صحرایی- قاره سرسبز ۵- سنگ‌های قیمتی و زینتی- متعلق به خانه ۶- مشاور- شیطان- چین‌وچروک پوست ۷- گاهی به ته‌دیگ می‌خورد!- وسیله نخ‌ریسی- رسوب زردرنگ بر سطح دندان ۸- مفلوج - سرمربی تیم فوتبال تراکتورسازی تبریز- معاون هیتلر ۹- شهری در استان یزد- نیکویی، خوبی- پرداخت وجه به حساب بانکی ۱۰- پاسخ مثبت- زاویه نود درجه- فرزندانی که از یک پدر و مادر نیستند ۱۱- شبیه و نظیر- غیرقابل‌انکار ۱۲- ستیزه‌کننده- آسیاب آشپزخانه- مرطوب ۱۳- حرکت ماده سیال- برای مشروعیت‌دادن به ازدواج خوانده می‌شود- کلمه پرسشی ۱۴- جهت- اجازه رسمی برای ماندن در کشوری خارجی- برافروختگی ۱۵- بهترین عطر سنتی ایران- از شهرهای مهم اسپانیا- پدر بزرگ.

عمودی:

۱- آسوده و راحت- پر و آکنده- حیوان وفادار ۲- جای تنگ و تاریک- معجون- شتاب‌زده ۳- سخنان بی پایه و اساس- مریض ۴- صدای پاره‌شدن کاغذ- گل آفتابگردان- دندان‌های نیش ۵- میان- همدم- قسمتی از اسلحه ۶- کارگاه هنری- نوار تزئینی- خالص ۷- زن گندم‌گون- له‌شده- ضمیر جمع ۸- قابله- توموری که درمان آن بسیار سخت باشد- زدم این فال و گذشت... و کار آخر شد ۹- فرمان اتومبیل- درهم آمیخته- فرود آمدن ۱۰- رمانی نوشته ایوان تورگنیف روسی- بهره‌هوشی- عقب هرچیز ۱۱- تاکسی سرویس- بنیانگذار- میوه تابستانی ۱۲- شریان- لباس زنانه و مردانه- ماهی کنسروی ۱۳- از پیامبران بنی‌اسراییل- غذایی از بادمجان ۱۴- تپه باستانی آتن- دزد سر گردنه- زیاده‌گو ۱۵- قرص- از تیم‌های فوتبال باشگاهی هلند- نام مادر حضرت‌موسی(ع).

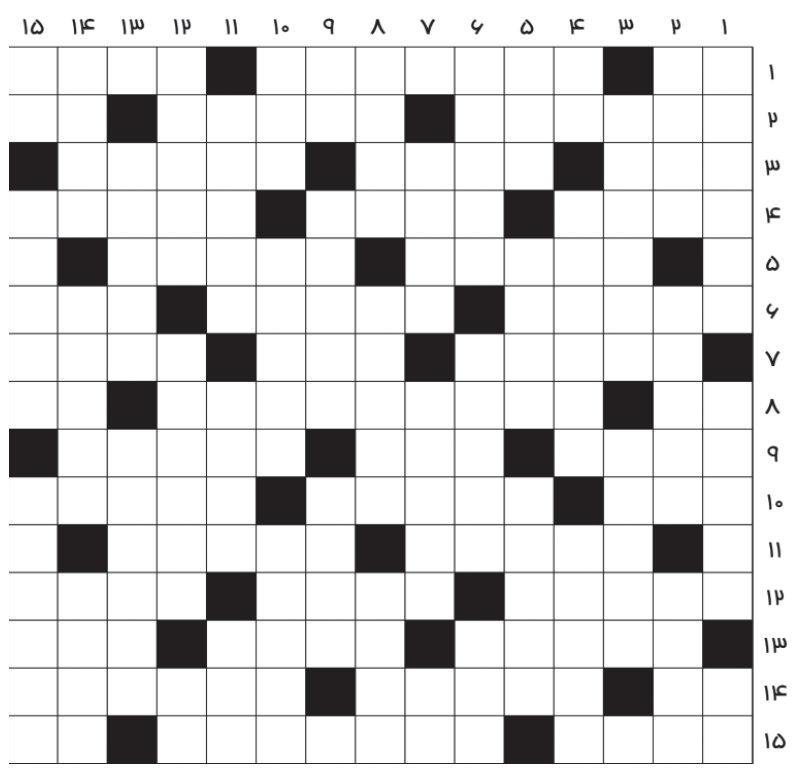

حل سودوکو سخت

۷	۶	۴	۳	۵	۸	۹	۲	۱
۸	۹	۲	۱	۶	۴	۳	۵	۷
۳	۱	۵	۷	۹	۲	۴	۶	۸
۱	۲	۶	۵	۴	۹	۸	۷	۳
۴	۳	۹	۸	۷	۶	۲	۱	۵
۵	۷	۸	۲	۳	۱	۶	۹	۴
۶	۴	۱	۹	۸	۷	۵	۳	۲
۲	۸	۳	۶	۱	۵	۷	۴	۹
۹	۵	۷	۴	۲	۳	۱	۸	۶

حل سودوکو ۱۱۳۳

۹	۳	۶	۲	۴	۱	۷	۵	۸
۵	۱	۷	۶	۳	۸	۲	۹	۴
۴	۲	۸	۵	۹	۷	۱	۳	۶
۷	۹	۴	۸	۵	۳	۶	۱	۲
۲	۵	۱	۷	۶	۴	۹	۸	۳
۸	۶	۳	۹	۱	۲	۴	۷	۵
۳	۴	۲	۱	۷	۵	۸	۶	۹
۶	۷	۵	۴	۸	۹	۳	۲	۱
۱	۸	۹	۳	۲	۶	۵	۴	۷

جدول ۲۱۳۶

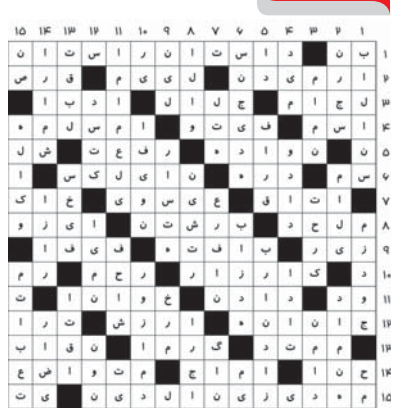

سودوکو سخت ۱۱۳۴

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۸		۱		۳			
۹			۷	۴			۶	
۳	۱				۲		۷	
				۶	۵			۹
	۶		۹					
		۸	۲	۱				
۸	۵	۲	۴					
	۷	۹					۴	
	۳			۲				۷

سودوکو ۱۱۳۴

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۴	۱			۸			۵
		۲	۵	۶			۹	۸
	۵			۴			۱	۲
		۷	۴		۶			۹
	۹	۶		۵	۳	۲		
۸		۳	۹		۲			
	۳		۶	۹		۸	۷	
			۲		۷	۵		۶
۷		۵		۱	۴		۲	